



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال ششم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۲

Quarterly Journal of Moral Studies  
Vol. 6, No. 3, Autumn 2023



## معیارهای مرزبندی اخلاقی دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی

### بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی

محمدجواد فلاح\* | هادی خوشنودی\*\*

doi 10.22034/ETHICS.2024.51131.1640

#### چکیده

از جمله دوگانه‌های اخلاقی که ممکن است فاعل اخلاقی را در مقام شناخت دچار اشتباه و مشکل سازد، دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی است. هدف این مقاله نشان دادن معیارهای تمایز دوگانه اخلاقی حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس معیارهای مندرج در متون اسلامی است. این معیارها ذیل مباحثی چون تمایز مفهومی، خاستگاه، شرایط و موقعیت‌هایی است که فاعل اخلاقی در آن مطرح می‌شوند. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به تبیین معیارهای پیش‌گفته جهت تمایز این دوگانه اخلاقی پرداخته است. «اصل بودن حُسنِ ظن در نسبت با ساده‌لوحی»، «مستثنی شدن اموری مثل ازدواج و برخی معاملات از اصل حُسنِ ظن»، «رعایت اصل احتیاط در موارد خاص مثل فراگیری فساد در جامعه و غلبه ستم به ویژه در مورد افراد ناشناخته»، «عدم رعایت حُسنِ ظن در خطاهای تکرار و در صورت مشهود بودن خطای طرف مقابل» و «عدم مطلق بودن خوش‌گمانی و بدگمانی» از نتایج پژوهش حاضر است که به روش توصیفی-تحلیلی بدست آمده است.

#### کلیدواژه‌ها

حُسنِ ظن، ساده‌لوحی، دوگانه اخلاقی، اخلاق اسلامی، اخلاق کاربردی.

\* دانشیار گروه اخلاق دانشگاه معارف اسلامی (نویسنده مسئول) | fallah@maaref.ac.ir

\*\* دانشجوی دکتری مدرسی اخلاق دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران. | h.khoshnodi@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۱

■ فلاح، محمدجواد؛ خوشنودی، هادی. (۱۴۰۲). معیارهای مرزبندی اخلاقی دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۶(۲۰)، ۵-۲۲. doi: 10.22034/ETHICS.2024.51131.1640

## ۱. بیان مسئله

دوگانه حُسنِ ظن و ساده‌لوحی، یکی از مسائلی است که عدم مرزبندی و شناخت آن سبب مشتبه شدن امر بر افراد جامعه و همچنین تصمیم‌گیران آن می‌شود. برداشت‌های نادرست از حُسنِ ظن و آیات و روایات آن سبب اشتباه با ساده‌لوحی می‌شود که برخی منابع به این مسئله پرداخته‌اند. دیدگاه‌های مختلف در باب حُسنِ ظن وجود دارد که برخی از باب اخلاق فضیلت و برخی اخلاق غایت‌گرایانه است که مبنای ما در این پژوهش در ملاک ارزش اخلاقی اعمال نظریه تلفیقی از این دو رکن است که با عنوان «غایت‌انگاری فضیلت‌بنیاد یا ویژگی‌نگر» مصطلح در فلسفه اخلاق ارائه می‌شود؛ بدین معنا که ارزش اخلاقی اعمال هم بر اساس فاعل، انگیزه‌ها و نیات و فضایل باطنی او به عنوان شرط مقبولیت اعمال و ملاک کمال آنها و هم بر اساس آثار و نتایج اعمال از حیث تحقق غایت انسان تعیین می‌شود (حسینی رامندی، ۱۳۹۹، ص ۴۲). می‌توان پژوهش حاضر را از مباحث اخلاق کاربردی دانست؛ زیرا اخلاق کاربردی در صدد است تا کاربرد و اعمال منظم و منطقی نظریه اخلاقی در مسائل خاص را نشان دهد (شریفی، ۱۳۸۹، ص ۲۸). هدف این تحقیق نشان دادن معیارهای تمایز دوگانه اخلاقی حُسنِ ظن و ساده‌لوحی بر اساس زمان، مکان، نیت، متعلق، خاستگاه، انگیزه، شرایط و موقعیت‌های آن است که در این راستا، سه نکته اصلی، یعنی تبیین مفهومی و منشأ و شرایط و موقعیت‌ها مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد.

در باب مسئله حاضر پژوهش مستقلی صورت نگرفته، ولی برخی صاحب‌نظران (رضایی، ۱۳۸۷) اهمیت، آثار و کارکردهای حُسنِ ظن را بیان کرده و برخی مقالات نیز به دیدگاه ائمه اطهار (ع) درباره مثبت‌اندیشی (صادقی، ۱۳۹۲) یا تبیین ساده‌لوحی (غفوری و عبدالله زاده، ۱۳۹۶) و برخی دیگر به شکل کلی به مفهوم تبیین سوء ظن (حسینی، ۱۳۹۹) پرداخته‌اند و در بعضی آثار بررسی مقایسه‌ای حُسنِ ظن در متون دینی با خوش‌بینی در روان‌شناسی (ایمانیه و دیگران، ۲۰۲۱) تبیین شده است، اما مقاله حاضر از جهت ارائه معیارهایی برای تمایز دو مفهوم حُسنِ ظن و ساده‌لوحی - بر اساس آموزه‌های اخلاق اسلامی - واجد نوآوری است.

## ۲. تمایز مفهومی حُسنِ ظن و ساده‌لوحی

یکی از شاخص‌های تمایز دوگانه، تمایز مفهومی است. این تمایز می‌تواند قدرت شناخت ما را در تشخیص اینکه در موقعیت فاعل اخلاقی دچار حُسنِ ظن هستیم یا در دام ساده‌لوحی گرفتار

شده‌ایم. در اصل تمایز مفهوم به ما کمک می‌کند به جهت شناختی و توسعه فهم در مواجهه با این دو حالت دقت و تمرکز کافی و لازم را داشته باشیم. حُسنِ ظن، ترکیبی اضافی و در لغت به معنای خوش‌بینی، گمان نیک در برابر سوء ظن به معنای بدبینی و بدگمانی است. در اصطلاح نیز این واژه نیک‌انگاشتن در مورد خداوند، مؤمنین و فعل و انفعالات عالم و هم‌چنین کردار و گفتار انسان‌هاست. افزون بر این، مثبت‌نگری، خوش‌بینی یا حُسنِ ظن به تعبیر روایات اسلامی گفته می‌شود (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳۴). پایه و اساس حُسنِ ظن، بر ظن و گمان استوار است. در قرآن کریم واژه «ظن» گاهی به معنای شک و گاهی به معنای یقین (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۷۹) به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۸، ج ۸، ص ۱۵۲)، اما معنای حقیقی آن، خیال قوی یا گمان است که احتمال خلاف در آن پایین و کم بوده، لکن به اندازه اطمینان یا یقین نرسیده باشد (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۵۹۰).

ساحت‌های شخصیت انسان عبارتند از: ۱. حوزه شناختی و معرفت؛ ۲. حوزه احساسی و عاطفی؛ ۳. حوزه رفتار و عمل. بنابراین، پیش‌فرض ما این است که ظن در دیدگاه اسلامی شامل شناخت، عاطفه و رفتار است.

مثبت‌نگری، مثبت‌اندیشی، خوش‌بینی و خوش‌گمانی، همگی تعبیرهایی‌اند که تقریباً معنای واحد داشته و در مورد کسی که نگاهی مثبت به حوادث و وقایع و افراد انسان دارد که غالب موارد تفسیر ناخوشایندی از آنان ارائه نمی‌دهد که تعبیر از آن در ادبیات دینی همان حُسنِ ظن است. «حُسنِ ظن» از نظر لغت، معنای گمان خوب در برابر سوء ظن یا همان گمان بد را در بردارد که معنای اصطلاحی آن را پیش‌تر بیان کردیم (قرشی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۱۳۴). از این رو، می‌توان حُسنِ ظن را چنین تعریف کرد: توجه شناختی و عاطفی مثبت نسبت به خدا، جهان، افراد، خود، افکار، رفتارها و رویدادها که فرد بر اساس آن، رویدادها را تفسیر مثبت نموده و انتظار دارد که با تلاش خودش اوضاع بر وفق مراد پیش رفته و نتایج دلخواه به دست آید (نوری، ۱۳۸۷، ص ۵۳-۷۰).

خوش‌بینی هیچ‌گاه به معنای ساده‌لوحی و ساده‌اندیشی نیست و بین این دو واژه باید قائل به تفاوت شویم. از طرفی می‌توان گفت پایه و ریشه ساده‌لوحی همان بلاهت و بی‌مسئولیتی است؛ چون در اصطلاح معنای «بلاهت» معنای تعطیل کردن عمدی و از روی اختیار قوه عقل است (اخلاق ناصری، ۱۳۷۴، ص ۱۱۹). از طرف دیگر، خوش‌بینی به خلاف آن است، یعنی حالتی مسئولانه و از روی آگاهی است. توضیح بیشتر اینکه فرد با ایمان در حالی که حُسنِ ظن به دیگران دارد، اما حساس و باهوش و زیرک هم است تا کسی نتواند سوء استفاده از او کند و تأکید اسلام به



۷

شاهد گرفتن در اکثر معامله‌های تجاری و زیرکی در انتخاب کردن شریک و نوشتن سند به همین دلیل است. نکته قابل توجه این است که در قرآن کریم نیز طولانی‌ترین آیه، در مورد نحوه تنظیم قرارداد و گرفتن شاهد در زمان معامله‌های دارای مدت است (سوره بقره، آیه ۲۸۲).

نکته قابل توجه دیگر، تفاوت بین خوش‌باوری و خوش‌بینی است؛ چون اعتماد انسان به افراد ناشناخته را خوش‌بینی نمی‌گویند و این مطلوب نیست که فرد بدون جست‌وجو و آزمایش کردن اشخاص به سخن آنها ترتیب اثر داده و نتایج خاص را از آن به دست آورد. افزون بر این، خوش بین بودن نسبت به افراد معلوم الحال - از نظر آلودگی و فساد - نوعی خوش‌باوری است؛ زیرا افراد خوش‌بین و برخوردار از صفت حُسنِ ظن نوع تفسیرشان از اعمال و کردار دیگران همراه با دوراندیشی، مراقبت و احتیاط است و برای خوش‌بینی و حُسنِ ظن خود قرائن و شواهدی را همراه می‌بینند نه آنکه همیشه و بدون هیچ شاهد و قرینه‌ای نسبت به افراد حتی افراد معلوم الحال و مفسد چنین خوش‌بینی را روا بدارند. در منابع دینی، ضمن دستور دادن به عدم سوء ظن به دیگران، دستور به عدم اکتفا به ظاهر افراد هم وارد شده است؛ زیرا گاهی ظاهر فردی موجه و پسندیده نمایان شده لکن باطنش ابتلا به فسادهایی دارد، اما نکته این است از طرفی هم نباید با رفتار خود سبب نابودی خوش‌بینی افراد دیگر شد. امیرالمؤمنین (ع) در این زمینه می‌فرماید: «مَنْ اتَّجَعَكَ مُؤَمَّلًا فَقَدْ أَسْلَفَكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ فَلَا تُحَيِّبْ ظَنَّهُ، یعنی مبدا با رفتار خود کسی که احساس خوش‌بینی نسبت به تو دارد را ناامید کنی» (آمدی، ۱۳۶۶، ص ۳۸۲).

تفاوت دیگر در روان‌شناسی هم آمده است که مثبت‌اندیشی و خوش‌بینی همراه با برنامه‌ریزی و واقعیت‌نگری است، اما ساده‌لوحی همراه با بی‌خیالی است که برنامه‌ریزی مشخصی در هر کاری ندارد و برخورد او در موضوعات و پدیده با صرف احساس و هیجان است تا جایی که گاهی موضوعات مهم را با خونسردی و بی‌خیالی کم‌اهمیت فرض می‌کند. پس حد و مرز خوش‌بینی و بی‌خیالی یا به عبارتی، حُسنِ ظن و ساده‌لوحی، واقع‌گرایی است (علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۱).

نکته دیگر این‌که آثار هر کدام از این دو مفهوم بیان‌کننده تمایز آنهاست؛ برای نمونه، برخی صاحب‌نظران، از حُسنِ ظن به مثابه یک فضیلت اخلاقی بحث کرده و معتقدند عدم اعتماد، نخستین نتیجه نامبارک بدگمانی (ساده‌لوحی) است که در صورت وجودش در یک جامعه، تعاون و همکاری و همدلی معدوم شده و برکات و آثار زندگی اجتماعی از بین می‌رود. به همین دلیل، اسلام که برای اعتماد متقابل افراد و امت‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است از مسئله بدگمانی (ساده‌لوحی) به شدت نهی کرده و مردم را با تعابیر بسیار متقن، دعوت به حُسنِ ظن

کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳، ص ۳۱۷). در ادامه، با رویکرد تحلیلی به مرزهای متمایزکننده این دو مفهوم اخلاقی پرداخته می‌شود.

### ۳. تمایز از جهت خاستگاه و منشأ

شناخت ریشه این دو مفهوم (ساده‌لوحی و حُسن ظن) می‌تواند به شناخت بهتر خود آن صفت کمک کند. یکی از راه‌های شناخت حقائق اخلاقی توجه به عوامل و ریشه‌های فعل یا صفت اخلاقی است. در صورت که مناشی صفت یا رفتاری، امری یا صفتی غیر اخلاقی باشد، نتیجه و مسبب نیز غیر اخلاقی است. در اینجا به سه منشأ مهم اشاره می‌کنیم.

#### ۱.۳. ایمان و کفر

ایمان و کفر یکی از خاستگاه‌های حُسن ظن و ساده‌لوحی است. این مطلب در روایات نیز مورد تأکید قرار گرفته و اصل و ریشه حُسن ظن را ایمان فرد دانسته و می‌فرماید: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيْمَانِ الْمَرْءِ؛ اصل حُسنِ ظن از ایمان شخص است» (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۲۵۱). این روایت نشان می‌دهد که منشأ حُسنِ ظن امری است قلبی که مبتنی بر ایمان شخص صورت می‌پذیرد و ایمان هم به باور و هم عواطف و قلب مرتبط است پس دو ساحت است. اما آیا ساده‌لوحی نیز چنین است؟ مبتنی بر ایمان است یا مبتنی بر بی‌تفاوتی، یا غفلت است؟ «زودباوری» به معنای اعتماد زود هنگام و غیر منطقی به دیگران است که آن را «ساده‌لوحی» نیز می‌نامند. زودباوری آثاری مانند استرس، بدبینی، عدم عزت نفس و کاهش اعتماد به نفس و سستی اراده را به همراه دارد. در مقایسه حُسنِ ظن و سوء ظن می‌توان به منشاء هر کدام نیز اشاره کرد؛ می‌توان منشأ ساده‌لوحی را ضعف ایمان دانست، اما منشأ حُسنِ ظن ایمان بوده که آرامش (سوره فتح، آیه ۴) و عزت نفس (سوره منافقون، آیه ۸) و فضایل بسیار دیگر رهاورد آن است. دلیلش این است که طبق حُسنِ ظن گفتار و رفتار دیگران را بر صورت نیکو حمل کرده و به دلیل برخاستن حُسنِ ظن از ایمان و از طرفی نشأت گرفتن حیا از ایمان، فرد با ایمان به دلیل همسان‌انگاری دیگران به خاطر ایمانش، بدانگاری درباره آنها را منتفی کرده و گویش و کنش آنان را بر وجه صحیح حمل می‌کند (علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۲۲) و در برخی دیگر حُسنِ ظن بهای بهشت دانسته شده (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۰، ص ۳۸۴). که بهشت نیز مأوای اهل ایمان است و برخی صاحب‌نظران



۵

معتقدند ایمان به عنوان صفت و اثری راسخ در دل فرد با ایمان، اعتقادات حقه‌ای به عنوان منشأ کارهای خوب است (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳: ج ۵، ص ۱۱۹). پس ریشه حُسنِ ظن همان ایمان فرد است که در جایی دیگر تأکید بر غنیمت دانستن گمان افراد با ایمان به دلیل جاری ساخت حق بر زبان آنها شده است (نهج البلاغه، حکمت ۳۰۹). کارکرد مهم این شیوه رفتاری ترمیم آسیب خروج از اعتدال در معاشرت با دیگران است. ایمان راسخ و اعتقاد بهترین انگیزه شوق برای مثبت‌اندیشی در حوادث گوناگون روزگار است (ملکی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱).

از طرفی دیگر، در منابع دینی ضد حُسنِ ظن ناشی از عدم ایمان دانسته شده است (اللیثی، ۱۴۱۸، ص ۵۳۵). این مطلب در سیره اهل بیت (ع) نیز مشاهده می‌شود: مانند منع امام جواد (ع) در مشورت به یکی از مؤمنین از ساده‌لوحی و زودباوری به فرد بی‌ایمان شرابخوار و استدلال حضرت به آیه ۶۱ سوره توبه «يَوْمِنُ بِاللّٰهِ وَ يَوْمِنُ لِلْمُؤْمِنِيْنَ؛ به خدا ایمان آورده و به مؤمنان هم اطمینان دارد» که نشان‌دهنده خاستگاه حُسنِ ظن و ساده‌لوحی است (دستغیب، ۱۳۵۱، ص ۶۰۷). از روایت اخیر چنین بر می‌آید که زمانی که گروهی از مؤمنین به بدرکرداری فردی گواهی می‌دهند، به هر حال این گواهی را نیز نمی‌توان نشنیده گرفت و این اعتماد و اقدام عقلایی نیست (دستغیب، ۱۳۵۱، ص ۶۰۸).

### ۲.۳. عقل و جهل

حُسنِ ظن از فضایل قوه عاقله می‌تواند باشد، اما ساده‌لوحی از جُبِن و ضعف نفس سرچشمه می‌گیرد و از رذایل قوه غضبیه است. از این‌رو، در برخی منابع ساده‌لوح را ضعیف‌العقل و خفیف‌العقل نیز خوانده‌اند (لغتنامه دهخدا، ذیل واژه ساده‌لوح). علو سالك در مقام محبت، با میزان امیدواری و حسن ظن او به خدا رابطه مستقیم دارد. از نشانه‌های مؤمنان سوء ظن داشتن به خود و خوش‌گمان بودن به دیگران بوده و عکس این حالت سزاوار منافقان است (مکی، ۱۳۱۰، ص ۲۱۷). به نظر می‌رسد سوء ظن آدمی به خداوند، از نداشتن معرفت صحیح به آن ذات حکیم و قادر مطلق نشأت می‌گیرد (طریحی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۲۷۹). از سوی دیگر، محقق نراقی (نراقی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۱۶) سوء ظن را از رذایل و منشأ آن را قوه غضبیه می‌داند و به باور وی، چنانکه حُسنِ ظن ریشه در قوت و ثبات نفس آدمی دارد، سوء ظن یا همان ساده‌لوحی از جُبِن و ضعف نفس سرچشمه می‌گیرد. حارث محاسبی (حارث محاسبی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۵۱) نیز سوء ظن را از گناهان قلب می‌شمرد و پس از او غزالی آن را غیبت با قلب و همانند غیبت با زبان، حرام می‌شمارد (غزالی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۵۰). در سبب تحریم سوء ظن هم برخی آورده‌اند که چون تنها خدا از اسرار انسان‌ها آگاه است، بنابراین،

کسی را شایستگی آن نیست که در وجود کس دیگری به امر سوء و زشتی معتقد شود، مگر آنکه آن زشتی بر او عیان شود و قابل تأویل به خیر هم نباشد. بنابراین، حُسن ظن به دیگران، یعنی تأویل افعال آنان به بهترین وجه ممکن و نه بر وجه فاسد (نراقی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۲۰).

از آنجا که یکی از مبانی با اهمیت رفتار، شناخت است خطاهای مربوط به شناخت هم تأثیری زیاد بر رفتارهای شخص خصوصاً تعاملات اجتماعی او دارند. شاید به همین دلیل در بحث شناخت مهم‌ترین مسئله از نظر محققین، دست یافتن به روش‌ها و معیارهایی جهت اکتساب علم و آگاهی دانسته‌اند (بهشتی، ۱۳۹۰، ص ۴۳-۴۴).

بنابراین، تعیین کردن و معرفی دقیق مرزهای ساده‌لوحی با خوش‌گمانی به دیگران، به منظور دوری از خطاهای مربوط به شناخت در این مورد ضروری است. در احادیث اسلامی، توصیه به حُسن ظن و مثبت‌اندیشی همراه با خردورزی و تعقل است که تعقل همراه با سنجش و درنگ، دوران‌دیشی و تجزیه و تحلیل فهمیده می‌شود. در منابع دینی این مطلب با تعبیر تناسب ظن مرد با عقلش (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۳۹) و نزدیک‌تر بودن گمان متقین و صاحبان عقل به درستی (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴۰) و نشانه کمال عقل (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۸) مورد تأکید قرار گرفته و به عبارت دیگر، مؤمنین را به حُسن ظن عاقلانه؛ نه مثبت‌اندیشی ساده‌اندیشانه توصیه می‌کنند. از طرفی دیگر، خاستگاه ساده‌لوحی جهل است و در واقع، می‌توان سخن برخی صاحب‌نظران در حوزه تقریب قوه عاقله، یعنی جهل را برای ساده‌لوحی به کار برد (نراقی، ۱۳۸۷، ص ۷۱). امیرمومنان (ع) جهل را منشأ ساده‌لوحی دانسته و تعبیر «جاهل القلب» را درباره او به کار برده است که نشان‌دهنده خاستگاه این رذیله اخلاقی است (شیخ صدوق، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۶۹). در روایات نیز کم‌عقلی دانستن اطمینان به همه افراد پیش از آزمودن (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۴۵) و ناتوان شمردن آن (علامه مجلسی، ۱۳۸۶، ج ۶۸، ص ۱۹۰) و سقوط حتمی بدلیل اطمینان به دوست (جلسی، ۱۳۸۶، ج ۷۱، ص ۱۷۴) همگی اشاره به برخاستن ساده‌لوحی از جهل انسان است. از آنجا که برخی صاحب‌نظران تعقل را به معنای جست‌وجو از هر حقیقتی به اندازه شایسته دانسته و تعقل را حدِّ وسط بین غرق شدن در یک موضوع و کم‌دقتی می‌داند (طوسی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۲). پس می‌توان گفت حُسن ظن برخاسته از تعقل و ساده‌لوحی نیز ضد تعقل است.

### ۳.۳. سلامت نفس و سقم آن

منشأ حُسن ظن قوت نفس و منشأ ساده‌لوحی سقم و انفعال نفس است. توضیح بیشتر اینکه





حُسنِ ظن ریشه در قوت و ثبات نفس دارد و سلامت درون و صفای باطنی خاستگاه این فضیلت اخلاقی است که در منابع دینی هم به آن تأکید شده است، مانند این روایت امام صادق (ع) که فرمود: «حُسْنُ الظَّنِّ أَصْلُهُ مِنْ حُسْنِ إِيمَانِ المرءِ وَ سَلَامَةِ صَدْرِهِ» و ایشان صدور فضایل دیگری همچون حیا، امانت‌داری و راستگویی را از این حُسنِ ظن بر اساس سلامت نفس می‌دانند و از قول پیامبر (ص) بین حُسنِ ظن و صفای قلب و پاکی طبیعت انسان رابطه‌ای حقیقی و نزدیک برقرار دانسته و برای حفظ این سلامت ارزشمند دستور به ۷۰ تأویل در صورت دیدن امری ناپسند از دیگران می‌نمایند (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۱۷۳).

خوش‌گمان بودن، به دو نوع نسبت به خود و دیگران تقسیم می‌شود. نوع نخست آن نیز در واقع، دارای دو قسم است که اول حُسنِ ظن به خویش در انجام امور است این خوش‌گمانی که به مفهوم اعتماد به توانمندی‌های خداداد خویش است، نمی‌تواند ناپسند باشد؛ زیرا خداوند استعدادها و توانمندی‌هایی مناسب برای اعضای انسان عطا فرموده است که با اعتماد کردن و تکیه کردن بر آنها می‌تواند ساماندهی و مدیریت امور زندگی‌اش را به دست گیرد (سوره تین، آیه ۴؛ سوره اسراء، آیه ۷۰). پس در واقع، تکیه کردن و اعتماد کردن به استعدادهای خدادادی او به معنای به‌کارگیری و استفاده از نعمت‌های خداوند است که صادر شده از روی سلامت نفس و بهره‌وری از نعمت‌های خداوند و تکیه کردن به آنها، نوعی شکرگزاری نعمت‌های خداوند به حساب می‌آید، امام علی (ع) انسان‌ها را ترغیب به شناخت ارزش خود کرده «وَلَا يَجْهَلُ مَبْلَغَ قَدْرِ نَفْسِهِ فِي الْأُمُورِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ بِقَدْرِ نَفْسِهِ يَكُونُ قَدْرَ غَيْرِهِ أَجْهَلٌ؛ اگر کسی ارزش خود را نادیده گرفت به دیگران هم بدبین می‌شود که این شناخت با توجه کردن به ویژگی‌های مثبت خود و داشتن حُسنِ ظن میسر می‌شود» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

از این‌رو، ایشان ریشه سوء ظن را حقارت فرد می‌دانند. ایشان در موارد متعددی به ارزش و مقام انسان اشاره کرده و معتقد است هیچ چیزی آن اندازه ارزش ندارد که فرد به خاطر آن خود را آلوده سازد «وَأَكْرِمِ نَفْسَكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ؛ خود را از هر پستی ای برکنار دار» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). به همین جهت، این‌گونه اعتماد کردن به نفس خود و حُسنِ ظن به خویش پسندیده و ضروری است. اطمینان کردن به خود در مصونیت از گناهان نوعی دیگر از خوش‌گمانی به خویش است که در حقیقت، این قسم ساده‌لوحی محسوب می‌شود. توضیح اینکه افرادی که نسبت به خود خوش‌بین باشند به جهت این خوش‌بینی دوری از وارد شدن به گناه نمی‌کند و معتقد است که توان خروج به صورت سالم از محیط گناه را داشته و خویش را پیراسته از آلودگی‌ها می‌کند



(سوره یوسف، آیه ۵۳). در واقع، این قسم از حُسنِ ظن علامت بیماری و سقم نفس انسان است که نوعی غرور هم به حساب می‌آید که در صورت ایجاد در درون شخص، ترس فرد را از ارتباط داشتن و دوستی کردن با افراد گنهکار از بین می‌برد. از این نوع خوش‌گمانی از روی سقم نفس در متون دینی منع شده است (نوری، ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۱۴۰).

اما حُسنِ ظن به دیگران که باز هم برخاسته از سلامت نفس است شامل افراد جامعه و خانواده است. خوش‌بینی به افراد جامعه طبق همان اصل درستکاری در تعاملات اجتماعی است که در واقع، خوش‌گمانی ریشه و پایهٔ چنین اصلی است. پس اصالت الصِّحة تا هنگامی که خلاف درستکاری اثبات نشود جاری بوده و جایگاهی برای سوء ظن و بدبینی در این مورد نیست (اعرجی نجفی حسینی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۹۲). این سلامت نفس انسان و صدور حُسنِ ظن نسبت به دیگران و دیگر افراد و هم‌نوعانش تضمین‌کننده سلامت روانی جامعه و زمینه‌ساز اعتماد، همدلی و وحدت میان آنان خواهد شد. آیات و روایات زیادی در این زمینه وجود دارد از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:



۱۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ أَي كسانی که ایمان آورده‌اید اجتناب از گمان‌های کنید؛ چون بعضی گمان‌ها گناه می‌باشد» (سوره حجرات، آیه ۱۲).  
«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از آنچه به آن آگاهی نداری پیروی مکن» (سوره اسراء، آیه ۳۶).

امام علی (ع) در همین راستا می‌فرماید: «رفتار برادر خود را به بهترین شکلش تفسیر نما تا هنگامی که عملی از او سر زد و توجیه آن امکان نداشت و هیچ‌وقت به حرفی که از برادرت صادر شود، تا هنگامی که برایش توجیهی مناسب می‌یابی، گمان سوء نداشته باش» (شیخ صدوق، ۱۳۷۰، ص ۱۸۲) و همچنین در تأکید خوش‌بینی می‌فرماید: «ای مردم هر گاه به اعتماد و حسن عمل برادر دینی خود عقیده دارید حرف این و آن را دربارهٔ او نشنوید (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۱). پس اگر در جامعه اسلامی، بلکه در جامعه انسانی برنامه‌ها و دستورهای اسلامی از جمله حُسنِ ظن اجرا شود، بسیاری از قضاوت‌های عجولانه، شایعه‌سازی‌ها، اخبار مشکوک و دروغ برچیده می‌شود (سلطانی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳) و همچنین حُسنِ ظن در این حوزه سبب آسان‌گیری افراد می‌شود؛ زیرا انسان‌های خوش‌بین و دارای حُسنِ ظن با سخت‌گیری‌های بی‌مورد زندگی را به کام خود و دیگران تلخ می‌کنند (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۶۵)، اما اگر با ساده‌لوحی و زودباوری صادر شده از سقم نفس انسان حرکت کنیم منجر به فروپاشی مهربانی و الفت و ارکان وحدت اجتماعی و



گسستگی پیوند برادری دینی و سختی و مشقت انجام دادن کارهای آسان، سبب به ستوه آوردن افراد جامعه شده و کدورت و دشمنی را در جامعه و افرادش حکمفرما می‌کند.

حُسنِ ظن در بحث خانواده نیز به عنوان یک دستور اخلاقی در خانواده و روابط میان همسران، اهمیت بیشتری دارد و لازم است همسران از هر گونه گمان بد به یکدیگر بپرهیزند تا زمینه‌ی آرامش و سازگاری آنان طبق دستور خداوند (سوره روم، آیه ۲۱) هر چه بیشتر فراهم شود. حُسنِ ظن صادر شده از سلامت نفس افراد سبب استحکام بنیاد خانواده و عدم بدبینی به همسر (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۶۳) آرامش قلب و سلامت دین (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۵۳) و مانع اختلافات در خانواده و طلاق است و ضد آن اعم از سوءظن و ساده‌لوحی و زودباوری صادر شده از روی سقم نفس منافات با فلسفه تشکیل خانواده و مانع استحکام و آرامش وحدت آن است. حتی در سیره معصومین (ع) نیز حُسنِ ظن برگرفته از سلامت نفس در حفظ خانواده مشاهده می‌شود مانند رفتار رسول خدا (ص) در مأموریت الهی دوری از همسرشان، یعنی حضرت خدیجه (س) و پیام دادن به همسر توسط عمار یاسر و دستور ایشان به حُسنِ ظن (قمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۶).

#### ۴. تمایز بر اساس شرایط و موقعیت‌ها

یکی دیگر از تمایزهای مهم بین این دو مقوله حُسنِ ظن و ساده‌لوحی تمایز طبق شرایط و موقعیت هاست، یعنی باید در مخاطب شرایطی فراهم شود که زمینه حُسنِ ظن و مثبت‌اندیشی برای افراد دیگر را مساعد نماید یا به تعبیری، برای حُسنِ ظن در آموزه‌های دینی موقعیت‌ها و شرایطی معین شده است.

حقیقتِ گمان از نظر ارزش اخلاقی به عبارت دیگر، فارغ از موضوعش، می‌تواند پسندیده و نیک یا ناپسند و زشت باشد. بنابراین، خود گمان داشتن به کسی یا چیزی، اعم از منفی یا مثبت و به‌خودی‌خود، بار ارزشی نداشته و بستگی به متعلقش دارد که دارای ارزش منفی یا مثبت می‌گردد. این موضوع را ممکن است بتوانیم از برخی تعابیر قرآنی که درباره اجتناب از ظن است استفاده کنیم. مانند آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ؛ ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یک‌دیگر اجتناب کنید که برخی ظنّ و پندارها معصیت است» (سوره حجرات، آیه ۱۲). در این آیه، خداوند بندگان مؤمنش را از حدس و گمان برحذر داشته و گناه بودن برخی از گمان‌ها را دلیلش دانسته است. پس خود ظن و گمان، به‌خودی‌خود، قابلیت اتصاف به بدی یا خوبی داشته و همان‌طور که بعضی گمان‌ها گناه نیستند، بعضی دیگر گناه

هستند. در این زمینه برخی مفسران، در توضیح آیه شریفه می‌گویند: «مراد از ظنّ منهی عنه برای مسلمانان در این آیه شریفه ظنّ ناپسند است؛ چون ظنّ خیر پسندیده و مورد سفارش نیز در برخی آیات (سوره نور، آیه ۱۲) دیگر است» (علامه طباطبایی، ۱۳۸۳، ج ۱۸، ص ۳۲۳). به حسب شرایط و موقعیت‌ها، حُسنِ ظن با ساده‌لوحی تفاوت دارد که مواردش عبارتند از:

#### ۱.۴. در موقعیت مواجهه با دشمن

سوء ظن در برابر دشمنان، یکی از موارد لازم و ضروری دربارهٔ سوء ظن است و چه بسا دشمنان ممکن است ادعای محبت و دوستی و صلح و تغییر روش داشته و دست امداد و مهربانی به سوی ما دراز کرده باشند که در چنین مواردی نباید هیچ‌گاه دچار حُسنِ ظن گردید و اعتماد به دشمن کرد، بلکه باید احتمال فریب و مکر در همهٔ این موارد بدهیم. یا دربارهٔ منافقین که گاهی به اندازه‌ای زیبا و نیکو سخن می‌گویند که ناخواسته، انسان متوجه سخنان آنها شده که این نکته در قرآن کریم نیز مورد تأکید قرار گرفته است (سوره منافقون، آیه ۴).

خوش‌بینی به دشمن، مصداق بارز حماقت و سفاهت و ساده‌لوحی است؛ تا جایی که امیرالمؤمنین (ع) حتی حُسنِ ظن به دشمنان پس از صلح با آنان را روا ندانسته و می‌فرماید:

الْحَدْرُ كُلُّ الْحَدْرِ مِنْ عَدُوِّكَ بَعْدَ صَلَاحِهِ فَإِنَّ الْعَدُوَّ رُبَّمَا قَارَبَ لَيْسْتَغْفِلَ فُخِّدَ بِالْحَزْمِ وَ  
 اتَّهَمَ فِي ذَلِكَ حُسْنَ الظَّنِّ؛ زمانی که پیمان صلح با دشمنت می‌بندی بسیار از او حذر  
 کن؛ چون نزدیک شدن دشمن گاهی برای غافلگیری است پس در چنین شرایطی  
 دوراندیش باش و اختیار از دست نده و حُسنِ ظن خود را متهم کن (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

پس مؤمن باید در برخورد با دشمن خویش، همواره ظنّین باشد و هیچ وقت از حيله‌های او غافل نشود؛ چون حتی در صورت صلح کردن نیز همیشه دشمن مورد گمان نیرنگ و حيله می‌باشد؛ به دلیل اینکه پیوسته دشمن در فکر انتقام شکست‌ها و جبران کردن آن است. همهٔ سفارشات کتاب آسمانی قرآن و معصومین (ع) نسبت به خوش‌بینی را می‌توان مربوط به جامعه اسلامی مسلمانان یا حداقل دربارهٔ کسانی که دشمنی آنها غیر آشکار بوده، دانست (مغنیه، ۱۹۷۲، ج ۴، ص ۱۱۲).

#### ۲.۴. پیامدها با توجه به فضای غالب جامعه

ظن در جامعه‌های فطرت‌گریز و طبیعت‌گزين اقتضایی است؛ نه التزامی، یعنی اگر فضای غالب



در جامعه نیکوکاری بود باید به کردار و گفتار دیگران حُسنِ ظن داشت که در منابع دینی نیز بدان اشاره شده مانند روایاتی که دستور به گوش ندادن به حرف دیگران در فضایی که اعتماد به برادران باشد (حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۳۷۹)، اما در غیر این صورت، حُسنِ ظن خوددفریفتن و خطر کردن است که همان ساده‌لوحی است (علیزاده، ۱۳۸۷، ص ۱۸) و همین معنا در کلمات امام علی (ع) آمده است که در موارد حُسنِ ظن از روی اعتماد بی دلیل و از روی خوش‌باوری ساده‌لوحانه مذموم است و تأثیر منفی دارد که در واقع، مرز بین خوش‌باوری و حُسنِ ظن است (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۴) و دستور اهل بیت (ع) به این فضا تا جایی است که دستور به تصور کار برادر تا زمان تعویض فضای غالب داده شده است (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۳۴)، امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر نیز می‌فرماید: «در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن و آنجا که کار جز با درستی انجام نگیرد، درستی کن (نهج البلاغه، نامه ۴۶). پس باید متناسب با وضعیت، حُسنِ ظن را عمل یا ترک کنیم.

اما اگر فضای غالب برعکس باشد، حُسنِ ظن در اینجا همان ساده‌لوحی شمرده می‌شود. شخصی که در میان عده‌ای زندگی می‌کند که هواهای نفسانی و شوق به قدرت و فساد آنان را در بر گرفته است، چگونه می‌تواند نسبت به عمل آنان حُسنِ ظن داشته باشد، آیا عاقلان عالم چنین حُسنِ ظنی را می‌پذیرند؟ حکم عقل آن است که در جایی که فساد در جامعه فراگیر شود، حُسنِ ظن به افرادی که در محیط‌های فاسدند، نوعی خوددفریبی به شمار می‌آید، اما اگر جامعه کمتر دچار فساد باشد و یا افرادی که خود را از فساد موجود در جامعه دور نگه می‌دارند، مشخص باشند؛ سوء ظن به افراد جامعه و یا آن افراد خاص، گناه به شمار می‌آید. این اصل عقلی در روایات نیز بیان شده است.

امام علی (ع) می‌فرماید: «وقتی صلاح و نیکی بر مردم زمان غالب شود، اگر کسی به کسی که از او رسوایی ظاهر نشده گمان بد ببرد قطعاً [به او] ستم کرده است و اگر بر مردم زمان فساد غالب شود و کسی به کسی گمان خوب برد خود را فریب داده است (نهج البلاغه، نامه ۴۶، حکمت ۱۱۴) و این ساده‌لوحی مصداق ظلم است و از امام هادی (ع) نیز نقل شده است:

إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ تَنْظُنَّ بِأَحَدٍ سُوءاً حَتَّى يَعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ  
وَإِذَا كَانَ زَمَانُ الْجَوْرِ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْعَدْلِ فَلَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يُظَنَّ بِأَحَدٍ خَيْرًا حَتَّى يَبْدُوَ  
ذَلِكَ مِنْهُ؛ زمانی که غلبه عدالت بر ستم و جور باشد، سوء ظن داشتن به کسی حرام  
است، مگر اینکه علم داشته باشی که کاری ناپسند از او صادر شده است؛ و هنگامی که

ستم و ظلم بیشتر از عدالت بود، کسی حق گمان خوب داشتن به دیگران نداشته مگر این که حسن و خوبی او آشکار و مشهود باشد (علامه مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۷۲، ص ۱۹۷).

در جامعه‌ای که اغلب افرادش اهل فساد باشند - یعنی غلبه فساد بر صلاح - حمل بر صحت کردن و خوش بین بودن درست نیست. در چنین جوامعی باید نظر کردن با عینک بدبینی باشد و چنانچه بدون اتکا به توجیه قابل قبول و معتبر، کارهای مردم را توجیه و تصحیح کنیم خود را فریب داده‌ایم. متأسفانه بسیاری از پرونده‌های موجود در جرائمی همچون کلاهبرداری و سرقت نیز نشان‌دهنده آن است که افراد زودباور به دلیل پذیرش بی‌چون و چرای هر سخنی مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند.

#### ۳.۴. موقعیت قضاوت و داوری

در مقام اعتماد به مردم و هم‌چنین در مقام قضاوت و داوری و مواردی از این قبیل، احتیاط باید کرد و بدون بررسی و فحص کامل اقدامی صورت نپذیرد؛ چون مرزهای ساده‌لوحی و حسن ظن بسیار دقیق و نزدیک به یکدیگرند و از همین رو، احتیاط در اینجا نیکوست. در این زمینه امام علی (ع) می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَ الْعَدْلِ الْقَضَاءُ عَلَى الْبَطْنِ بِالظَّنِّ؛ قضاوت کردن و داوری با تکیه کردن به گمان دور از عدالت است» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۰).

از این رو، در به‌کارگیری مناصبی مثل قضاوت در هنگام غلبه صلاح، حسن اعتماد کردن متقابل به معنای سپردن بدون تحقیق مناصب و مشاغل کلیدی به افراد ناشناس و وارد شدن در کارهای اساسی و مهم نیست. اصالت صحت و حسن ظن قاعدتاً در کارهای جزئی و احوال شخصیه و امور شخصی درست است و گرنه در کارهای اساسی و مهم و زیربنایی کلیدی با وجود جایز نبودن سوء ظن، ممنوعیت معیار حسن ظن برای قضاوت نیز است. در چنین مواردی، ضمن لزوم بررسی و تحقیق البته، بدون برخورد با حیثیت افراد باید بعد از کسب اطمینان جامع و کافی، اقدامات مناسب را انجام داد.

#### ۴.۴. موقعیت انتخاب کارگزاران

افزون بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او در مناصب گوناگون نیز باید از شایستگی لازم برخوردار باشند. امیرالمؤمنین (ع) در نهج البلاغه و



در نامه به مالک اشتر می‌فرمایند:

ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِياراً وَلَا تُؤَلِّهِمْ مُحَابَاةً وَأَثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جِمَاعٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَالْخِيَانَةِ؛ در کار کارگزارانت بنگر و پس از آزمایش به کارشان برگمار، نه به سبب دوستی با آنها و بی‌مشورت دیگران به کارشان مگمار؛ زیرا به رأی خود کار کردن و از دیگران مشورت نخواستن، گونه‌ای از ستم و خیانت است (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

ایشان در مورد منشی‌های حکومت می‌فرماید:

... ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِيارُكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَأَسْتِئَامَتِكَ وَحُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ فَإِنَّ الرَّجَالَ يَتَعَرَّضُونَ لِفِرَاسَاتِ الْوُلاَةِ بِتَضَنُّعِهِمْ وَحُسْنِ خِدْمَتِهِمْ؛ در گزینش منشی هیچ‌گاه به خوش‌گمانی و خوش‌بینی و فراست خویش اعتماد نکن؛ زیرا که رجال زیرک راه خوش‌بینی زمامداران و جلب توجه را با تظاهر به خوش‌خدمتی و ظاهرسازی کردن نیک می‌دانند (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



#### ۵.۴. موقعیت انتخاب همسر و تشکیل خانواده

به نظر می‌رسد که دین به ویژه در زمینه تعاملات سرنوشت‌ساز و مهم مانند ازدواج یا معامله‌های تجاری، دستور به احتیاطی بیشتر از موارد دیگر داده است. همچنین وظیفه هر عاقلی در موقعیت انتخاب کردن همسر این است که شریک و همسر زندگی و به صورت کلی هر شریک در زندگی خویش را ابتدا آزموده و سپس بعد از آگاهی بر خوبی و صلاح او بدبینی به او را ترک کند (دستغیب، ۱۳۵۱، ص ۵۹۹). پس اینکه در برخی منابع دینی به منع ازدواج با احمق دستور داده شده و آن را سبب تباهی فرد و جامعه و نسل می‌داند (علامه مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۱۰۰، ص ۲۳۷). با توجه به مباحث پیشین مراد از احمق همان فرد ساده‌لوح است.

البته، این مسئله به معنای بی‌اعتمادی به افراد و سوء ظن داشتن نیست، بلکه به نظر می‌رسد برای شکل‌گیری اعتماد توجه به شواهد و قرائن ضروری است. البته، مقصود از اعتماد این نیست که انسان بدون هیچ قید و شرطی و بدون هیچ تأملی به دیگران اعتماد کند و به خود حق ندهد از عقل بهره‌گیرد و خود را ملزم بداند در گفتار و کردار به دیگری اعتماد کند که همان ساده‌لوحی است، بلکه منظور اعتماد نسبی است که شرط لازم برای هر زندگی مشترک است. اعتماد نسبی، سبب استمرار و استحکام خانواده است و سبب می‌شود همسران به یک‌دیگر انس بگیرند. نکته دیگر، مسئله حسن ظن پس از ازدواج و تشکیل خانواده است. قطعاً در انتخاب همسر

باید از خوش بینی و زودبآوری حذر کرد، ولی پس از ازدواج اصل حُسنِ ظنِ بایستی زمینه حلّ مشکلات و زمینه رفع اختلافات را فراهم کند. بنابراین، در ازدواج معیارهایی مانند بلوغ فکری و ثبات در تصمیم گیری و برخورد های منطقی در مشکلات متعدد و خجالت و بازگو نکردن مسائل و عدم اضطراب در مسائل مختلف اقتصادی و فرهنگی خانواده برای همسر با حُسنِ ظنِ تنها درست می شود و اِهمال در هر کدام از این معیارها نشانه ساده لوحی همسران است که خطرات زیادی در زندگی خواهد داشت (حسینخانی، ۱۳۸۹). در اصل می توان بین حُسنِ ظن و مراقبت های عقلی و فکری - چه قبل و چه پس از ازدواج - وجه جمعی یافت.

## ۵. نتیجه گیری

حُسنِ ظن و ساده لوحی دو مفهوم متمایز اخلاقی اند که اصل بودن حُسنِ ظن در نسبت با ساده لوحی در منابع دینی مشهود است و عدم مرزبندی با آن منجر به مشکلاتی می شود. بیان شاخص هایی چون ایمان و کفر، عقل و جهل و سلامت نفس و سقم نفس سبب این تشخیص می شود. خوش گمانی و بدگمانی مطلق نیستند. ابتدا لازم است طرف مقابل را آزموده و اگر درستکاری او برایش ثابت شد شایعات درباره او را اعتنا نکرده و حتی موارد رؤیت شده را نیز در صورت امکان حمل بر صحت کند؛ مگر اینکه راهی برای حمل بر صحت وجود نداشته باشد، اما در معاملات مهم مانند ازدواج یا معاملات تجاری با افراد ناشناخته و قرارداد و حکومت داری و هنگام فراگیری فساد در جامعه و غلبه ستم بر حق به ویژه در مورد افراد ناشناخته و انتخاب کارگزاران و عدم رعایت حُسنِ ظن در خطاهای پرتکرار و مشهود بودن کامل بدی طرف مقابل اصل بر احتیاط و اجتناب از خوش بینی بوده که در واقع، خوش بینی اینجا ساده لوحی است.

## فهرست منابع

\* قرآن کریم.

\*\* نهج البلاغه.

ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۷۰). امالی. (ترجمه: محمد باقر کمره ای). تهران: کتابچی.





- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۸۴). عیون اخبار الرضا. قم: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق). (۱۳۹۰). خصال. (ترجمه: محمداقبر کمره‌ای). تهران: کتابچی.
- اعرجی نجفی حسینی، جعفر. (۱۳۸۵). الدرالمشور. قم: نشر عاشورا.
- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. (ترجمه: رضا مهیار). تهران: نشر اسلامی.
- بهشتی، سید محمد. (۱۳۹۰). شناخت اسلام، تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه‌های شهید بهشتی.
- حارث محاسبی، ابوعبدالله. (۱۴۰۶ ق). الوصایا. بیروت: چاپ عبدالقادر احمد عطا.
- حسینی رامندی، سید علی اکبر. (۱۳۹۹). قرآن و غایت‌گرایی اخلاقی. دوفصلنامه قرآن شناخت. ۱۳ (۲۴)، ۵۸-۳۹.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین. (۱۳۵۱). قلب سلیم، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- سلطانی، غلامرضا. (۱۳۷۸). تکامل در پرتو اخلاق. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- شرفی، احمد حسین. (۱۳۸۹). آیین زندگی. قم: نشر معارف.
- طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۳۸۳). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۶۲). مجمع البحرین. تهران: مرتضوی.
- طوسی، ابوجعفر محمد. (۱۳۷۴). اخلاق ناصری. (ترجمه: مجتبی مینوی). تهران: خوارزمی.
- علیزاده، میرزا. (۱۳۸۸). مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- غزالی، ابوحامد محمد. (بی‌تا). احیاء علوم‌الدین. بیروت: دارالندوة الجدیدة.
- فرامرز قراملکی، احد؛ ناسخیان، علی اکبر. (۱۳۹۵). قدرت انگاره. تهران: نشر مجنون.
- فرامرز قراملکی، احد؛ مشایخی، محمدعلی. (۱۳۹۶). اخلاق در پرتو سخنان امام علی. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۸ ق). العین. بیروت: مؤسسه اعلمی.
- قربانی، هاشم. (۱۳۸۸). معنای زندگی از دیدگاه ویکتور فرانکل. مجله تأملات فلسفی. ۱(۳)، ۵۷-۳۵.
- قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ ق). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- قمی، عباس. (۱۳۸۷). منتهی الامال. قم: انتشارات قدس.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۷۵ ش). اصول کافی. (ترجمه: محمداقبر کمره‌ای). قم: نشر اسوه.
- لیثی، علی. (۱۴۱۸ ق). عیون الحکم والمواعظ. قم: دارالحدیث.

متقی، علی بن حسام الدین. (۱۳۷۴). کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال. قم: دارالحديث.  
 مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحار الانوار. تهران: اسلامیه.  
 مرادی، اعظم. (۱۳۸۶). بررسی دیدگاه غم و شادی در نهج البلاغه با تمرکز بر روش های شادی آفرین.  
 فصلنامه پژوهش های نهج البلاغه. ۲(۲۱ و ۲۲)، ۱۳۲-۱۴۴.  
 مغنیه، محمدجواد. (۱۹۷۲ م). فی ظلال نهج البلاغه. بیروت: دارالعلم.  
 مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
 مکی، ابوطالب. (۱۳۱۰ ق). قوت القلوب فی معامله المحبوب. بیروت: دار الکتب العلمیه.  
 ملکی (تمدن)، پوراندرخت. (۱۳۷۲). قدرت معجزه آفرین، تهران: نشر علم.  
 نراقی، مهدی. (۱۳۸۷ ش). جامع السعادات. نجف: چاپ محمد کلاتر.  
 نوری، حسین. (۱۳۶۹). مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل البيت (ع).  
 نوری، نجیب الله. (۱۳۸۷). الگویی نوین از مؤلفه های خوش بینی در نهج البلاغه، ماهنامه معرفت.  
 ۱۲(۱۳۵)، ۵۳-۷۰.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی